

# تربیت اجتماعی از دیدگاه اسلام

امینی آیت الله ابراهیم

بسم الله الرحمن الرحيم

## تربیت اجتماعی از دیدگاه اسلام

در این که انسان زندگی اجتماعی را برگزیده و به صورت اجتماعی زندگی می کند تردیدی نیست . منشأ آن، اقتضای طبیعی باشد یا قصد بهره گیری و تأمین نیازهای زندگی از انسان های دیگر، یا تعاون و همزیستی مسالمت آمیز، یا هر انگیزه دیگر، فعلا در آن بحثی نداریم.

انسان ها در جامعه های مختلف زندگی می کنند، و هر یک از جوامع دارای نظام فکری و فرهنگی خاص، و آداب و رسوم و عادات و ارزش های اخلاقی و ضوابط و مقررات ویژه ای است. که حیات اجتماعی آن، به رعایت آنها بستگی دارد، و بدین وسیله از دیگر جوامع شناخته و امتیاز داده می شود.

فرهنگ جامعه توسط بزرگترها به نسل جدید انتقال می یابد. در میان جامعه و فرد تأثیر و تأثر متقابل انجام می گیرد. جامعه در فرد اثر می گذارد، فرهنگ خود را به او منتقل می سازد و او را همفکر و همسو می گرداند. فرد نیز به نوبه خود در جامعه اثر می گذارد.

انسان در جامعه پرورش می یابد، آداب و رسوم و افکار و ارزش های آن را می پذیرد، شخصیت خود را می سازد و با جامعه هماهنگ می گرداند. و این است معنای اجتماعی شدن و اجتماعی کردن و فرهنگ پذیری انسان.

ولی باید بدانیم که فرهنگ پذیری انسان از جامعه، نه تحمیلی و اجباری است چنان که بعضی از جامعه شناسان تصور کرده اند، نه در اثر تقلید کورکورانه و بی هدف است، چنان که گروهی دیگر پنداشته اند، بلکه انطباقی است آگاهانه و با اراده و اختیار و هدفدار.

کودک با حرص و ولع افکار و رفتار افراد جامعه خود را می نگرد، آنچه را مناسب تشخیص داد می پذیرد تا هر چه زودتر به صف بزرگسالان بپیوندد و به عضویت جامعه درآید. ولی چنان هم نیست که همه چیز را بپذیرد و همیشه خود را به رنگ محیط درآورد.

امام صادق علیه السلام فرمود: هر که در نفس خود پند دهنده ای نداشته باشد، پندهای مردم

برایش سود ندارد. (1)

به هر حال، کودک برای اجتماعی شدن آماده است، چون در جامعه زندگی می کند تدریجا با آداب و رسوم و فرهنگ جامعه آشنا می شود و رفتار خود را با جامعه منطبق می سازد.

نخستین مرحله ظهور گرایش های اجتماعی کودک چند هفته بعد از ولادت و در محیط خانواده شروع می شود. در برابر رفتار پدر و مادر عکس العمل عاطفی و رفتار اجتماعی نشان می دهد. وجود جسمانی و نفسانی او در این محیط کوچک رشد می کند، با چیزهای فراوانی آشنا می شود و معلومات زیادی را فرا می گیرد. تجربیات و عادت ها و اندوخته های ذهنی کودک در این زمان در رشد شخصیت او تأثیر به سزائی دارد و برای زندگی آینده اش مهم و سرنوشت ساز خواهد بود. بنابراین، اخلاق و رفتار پدر و مادر و کیفیت زندگی آنان و ارزش های حاکم بر خانواده در فرهنگ پذیری و اجتماعی شدن فرزند تأثیر به سزائی دارد. و نباید از این امر مهم غفلت به عمل آید.

دومین مرحله رشد اجتماعی گرایش به بازی های دسته جمعی و همبازی شدن با کودکان همسن و سال است. شرکت فعال کودک در بازی های دسته جمعی، او را با افراد و فرهنگ ها و اخلاق و رفتارهای جدید، که در واقع از خانواده های دیگر سرچشمه می گیرد آشنا می سازد.

امکانات و استعدادهای ذاتی و تجربیات و اندوخته های سابق خود را، در جمع همبازی ها به کار می بندد و شخصیت اجتماعی خود را ابراز می دارد. تعاون و همکاری و رعایت مقررات اجتماعی را عملاً در جمع همبازی ها فرا می گیرد. جامعه پذیری او تقویت می شود و برای شرکت در جامعه بزرگتر و مسؤولیت پذیری آماده می گردد. دوران بازی و نوع بازی ها و اسباب بازی ها و اخلاق و رفتار همبازی ها و تعداد گروههای همبازی، در تربیت اجتماعی کودک و رشد شخصیت او تأثیر به سزایی دارد.

نوع بازی و اخلاق و رفتار و همبازیها در این میان از اهمیت ویژه ای برخوردار است. مراقبت اولیاء و مربیان از بازیهای کودکان امری است مهم و ضروری و نباید مورد غفلت قرار گیرد. اسلام نیز به اولیاء و مربیان توصیه می کند که به کودکان اجازه دهند هفت سال بازی کنند.

حضرت امام صادق علیه السلام: به فرزندت اجازه بده هفت سال بازی کند. (2)

سومین و مهمترین جایگاه تربیت اجتماعی و فرهنگ پذیری کودک و نوجوان و جوان محیط مدرسه و در جمع کثیری از همسالان و از خانواده های مختلف است. محیط مدرسه گرچه محیط کسب و کار و زندگی رسمی محسوب نمی شود، ولی با محیط خانواده و محیط بازی

تفاوت های فراوانی دارد. در اینجا با شخصیت های دانشمند و محترمی سر و کار پیدا می کند. در این محیط جدید نظم و انضباط برقرار است و آزادی های سابق کودک محدود می شود. با برنامه های متنوع درسی حساب شده ای مواجه می شود که او را با علوم و افکار و عقائد و فرهنگ و آداب و رسوم جامعه بزرگ آشنا می سازد. با کودکان دیگر سر و کار پیدا می کند، که از خانواده های مختلف و دارای افکار و اخلاق و رفتار و زندگی های گوناگون هستند. در اجتماع مدرسه عملاً با زندگی اجتماعی مسالمت آمیز و رعایت حقوق دیگران و احترام به قوانین و مقررات اجتماعی آشنا می شود.

نظام ویژه آموزش و پرورش، برنامه های علمی و اجتماعی، اخلاقی و رفتار اجتماعی مدیر و معلمان مدرسه، در کیفیت تربیت اجتماعی کودک، و آماده شدنش برای شرکت در اجتماع بزرگترها و قبول مسؤولیت ها نقش بسیار بزرگی را ایفا می کند که نباید مورد غفلت قرار گیرد.

در طی مراحل سه گانه سابق به انضمام نقش مهم رسانه های جمعی: رادیو، تلویزیون، روزنامه ها، مجلات، کتاب ها، فیلم ها، معاشرت با بزرگترها، جو عمومی حاکم بر اجتماع، شخصیت اجتماعی و فرهنگی کودک و نوجوان شکل می گیرد و برای زندگی در جامعه بزرگ آماده می شود.

حرکت فرهنگ پذیری فرد بعد از ورود در جامعه در اثر قبول مسئولیت ها و معاشرت با افراد و معیت های مختلف، و استفاده از کتاب ها و رسانه های عمومی، و تجربه ها و آموخته های زندگی همچنان تداوم دارد و غالبا تا پایان زندگی ادامه خواهد یافت. بنابراین، تربیت اجتماعی فرد را باید یک امر مستمر و مداوم به شمار آورد.

با توجه به نقش بسیار مهم جامعه در کیفیت فرهنگ پذیری و تربیت های اجتماعی کودکان و جوانان به امور زیر توصیه می شود:

1- ضرورت اصل اجتماعی شدن و پرورش و تقویت گرایش های اجتماعی فرد و تشویق او به معاشرت با اشخاص و گروه ها و شرکت در اجتماعات.

2- پاکسازی محیط جامعه از آلودگی ها و مفاصد اخلاقی و اجتماعی.

3- نشان دادن و معرفی الگوهای صالح و خوش اخلاق و نیکوکار.

4- کمک فرد در انتخاب دوستان صالح و بر حذر داشتن او از دوستی و معاشرت با افراد ناصالح و بد رفتار.

5- تنظیم و تدوین برنامه های صحیح اجتماعی و اخلاقی برای تدریس در مدارس و استفاده از معلمین صالح و خوش اخلاق.

6- اصلاح و تکمیل برنامه های صدا و سیما، و تهذیب آنها از برنامه ها و تصویرهای بدآموز.

7- آموزش مسائل تربیتی به خانواده ها و اصلاح روابط پدران و مادران.

با رعایت امور مذکور می توان به تربیت اجتماعی صحیح کودکان کمک کرد.

اسلام نیز نسبت به اصل اجتماعی شدن انسان و تشویق به گرایش به اجتماع توصیه و تأکید

دارد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرموده: رأس عقل، بعد از ایمان، دوستی و معاشرت با

مردم و خیر رساندن به همه انسان ها، خوب و بد، است. (3)

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: با مردم ارتباط و معاشرت داشته باشید و به آنان احسان کنید.

و از دوری و قطع رابطه اجتناب نمایید. (4)

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: با یکدیگر ارتباط داشته باشید و به هم نیکی کنید و

دلسوز و مهربان باشید، همانگونه که خدا فرموده، برادر نیکوکار باشید (5).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بهترین مؤمنان کسانی هستند که محل الفت و معاشرت

مؤمنان می باشند. کسی که نه با دیگران الفت می گیرد، و نه دیگران با او انس و الفت دارند

خیری ندارد. (6)

امام صادق علیه السلام فرمود: مسلمانان وظیفه دارند در پیوند دوستی و تعاون و توجه به همدیگر و موااسات با نیازمندان و ارتباط و عطوفت با یکدیگر، چنان که خدا فرمان داده، جدیت و کوشش نمایند. دلسوز هم باشید و نسبت به آنچه از آنان نمی دانید نگران باشید، چنان که انصار در زمان رسول خدا چنین بودند. (7)

از احادیث مذکور و دهها حدیث دیگر استفاده می شود که اسلام نسبت به اصل اجتماعی شدن افراد و پرورش گرایش های اجتماعی، و در نتیجه فرهنگ پذیری و تربیت اجتماعی عنایت دارد. و این همان سخنی است که جامعه شناسان می گویند، با این تفاوت که جامعه شناسان با نظری وسیع می گویند: با توجه به این که کودک در آینده ناچار است در جامعه قبیله ای یا میهنی یا نژادی یا زبانی خود و با افراد آن زندگی کند باید به گونه ای تربیت شود که فرهنگ جامعه خود را بپذیرد و با سایر افراد همسو و هماهنگ گردد تا بتواند با آنان زندگی مسالمت آمیز داشته باشد. و در این رابطه بین افکار صحیح و غیر صحیح و اخلاق و رفتار خوب و بد فرقی نمی گذارد. هر چه است فرهنگ آن جامعه است و افراد باید آن را بپذیرند.

ولی اسلام انشعابات قومی و قبیله ای و منطقه ای و نژادی و زبانی را مردود می شمارد و پذیرش و پیروی کورکورانه از فرهنگ حاکم بر این جوامع را محکوم می کند. اسلام خود جامعه خاصی را تأسیس نموده و فرهنگ ویژه ای را معرفی کرده است. جامعه اسلامی بر پایه ایمان به

خدای یگانه و زندگی بعد از مرگ و نبوت استوار گشته است. فرهنگ اسلام نیز بر همین پایه تنظیم شده و از وحی سرچشمه می گیرد. اسلام در معارف و مسائل عقیدتی، در اخلاق و ارزش ها و ضد ارزش ها، در مسائل اجتماعی در آداب و معاشرت، در ضوابط و مقررات اجتماعی، در فرهنگ و هنر، و غیر این ها، آراء و نظرهای ویژه ای دارد که مجموعاً فرهنگ اسلام را تشکیل می دهند. اسلام آمده تا عقاید و فرهنگ مردم را اصلاح و تکمیل کند با افکار غلط و اخلاق و رفتار و عادت های زشت مبارزه کند، و افکار صحیح و اخلاق و رفتارهای نیک را جایگزین سازد فرهنگ سازی در متن رسالت پیامبر اسلام قرار دارد. از عموم مسلمانان می خواهد که از آلوده شدن به مفسد اخلاقی و اجتماعی اجتناب نمایند و فرهنگ عالی اسلام را بپذیرند و شخصیت خود و فرزندانشان را بسازند و پرورش دهند .

اسلام عموم مسلمانان جهان را یک جامعه و یک امت می داند. هر یک از مسلمانان فردی از جامعه بزرگ اسلام بلکه به منزله عضوی از پیکر اسلام محسوب می شود .

در قرآن می فرماید: این امت یگانه شما است و من پروردگار شما هستم پس مرا پرستش کنید .

8) )

و می فرماید: شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدید آمدید، امر به معروف و نهی از منکر

می کنید و به خدا ایمان دارید. (9) )

و می فرماید: شما را امت وسط قرار دادیم تا بر مردمان گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد.

) 10)

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مثل مؤمنین در دوستی و دلسوزی و مهربانی با یکدیگر مثل پیکر واحد است که هر گاه عضوی از آن به درد آید سایر اعضا با بیخوابی و تب با

عضو دردمند همکاری می نمایند. (11)

بنابراین، هر مسلمان به امت بزرگ اسلامی وابسته است و نمی تواند نسبت به اوضاع عموم جامعه اسلامی بی تفاوت باشد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرموده اند: هر که نسبت به امور مسلمانان اهتمام نداشته باشد مسلمان نیست. و هر کس صدای استغاثه مسلمانی را بشنود

و به یاری او نشتابد مسلمان نیست. (12)

بلکه اسلام عموم مؤمنین را از یک خانواده می شمارد که رهبر به منزله پدر و افراد به منزله خواهر و برادر هستند در قرآن می فرماید: همانا که مؤمنین برادرند، پس بین برادرانتان اصلاح

کنید و از خدا بترسید تا مورد رحمت قرار گیرید. (13)

امام صادق علیه السلام فرمود: مسلمان برادر مسلمان و به منزله چشم او و آینه و راهنمای اوست. به وی خیانت نمی کند و او را فریب نمی دهد و ستم روا نمی دارد و به او دروغ نمی گوید و غیبت نمی کند. (14)

اگر اسلام عموم مسلمانان جهان را یک جامعه و یک امت می داند مسلمانان وظیفه دارند دیدگاه خود را نسبت به جامعه تغییر دهند خود را وابسته به جامعه بزرگ اسلام بدانند، به مجد و عظمت و قدرت و شوکت آن بیندیشند و در برابر دشمنان از آن دفاع نمایند. عزت و شوکت جامعه بزرگ اسلامی را عزت خود و ضعف و ناتوانی آن را ضعف خود بدانند .

نکته مذکور یکی از امتیازات اسلام بشمار می رود که در اجتماعی کردن کودکان و نوجوانان و جوانان و حتی بزرگسالان باید منظور نظر اولیاء و مربیان باشد و در تربیت اجتماعی در خانواده و در برنامه ریزی در مدارس مورد عنایت دانشمندان علوم تربیتی قرار گیرد. روحیه گرایش به جامعه بزرگ اسلامی را در افراد بوجود آورند و پرورش دهند، و جامعه پذیرشان سازند. فرهنگ و افکار و ارزش های اصیل اسلام را زنده کنند و افراد را به سوی آنها دعوت نمایند .

اسلام در مورد جامعه دید وسیع تری نیز دارد. همه انسان ها را بندگان خدا می داند و احسان و خدمت و سودرسانی به آنان را یک ارزش بزرگ محسوب می دارد .

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: انسان ها روزی خوار خدا هستند. پس بهترین مردم

کسی است که نفعش بیشتر به مردم برسد. (15)

از پیامبر سؤال شد که محبوبترین مردم نزد خدا کیست؟ فرمود: کسی که بیشتر از همه نفعش

به مردم برسد. (16)

امام صادق علیه السلام فرمود: خدا بندگانی دارد که مردم در حوائجشان به آنان پناه می برند

اینان کسانی هستند که در روز قیامت از عذاب خدا در امان خواهند بود. (17)

کوتاه سخن این که در تربیت اجتماعی باید به امور زیر توجه شود :

1- از دیدگاه اسلام عموم مسلمانان جهان یک امت و دارای اهداف و منافع مشترک هستند.

فرد فرد مسلمانان باید خود را وابسته به این جامعه بزرگ بداند و نسبت به مصالح عمومی امت

اهتمام داشته باشد .

2- اسلام همه مردم را بنده و روزیخوار خدا می داند و خدمت به آنان را یکی از ارزش های

بزرگ می شمارد .

3- عمل انسان در صورتی ارزشمند است که به قصد قربت و برای جلب رضای خدا باشد، نه

جلب منافع شخصی یا تعصبات قومی یا نژادی یا وطنی .

4- اسلام در ابعاد مختلف زندگی انسان فرهنگ ویژه ای دارد. و تربیت اجتماعی باید هماهنگ

با آن باشد .

5- مسلمانان وظیفه دارند با فرهنگ متعالی اسلام خود را پرورش دهند و به کمال برسانند، و

جامعه اسلامی را از فرهنگ ضد اسلامی پاکسازی نمایند .

ابراهیم امینی

کنفرانس تربیت اجتماعی در تهران - 1373 /8/13

(1) قال ابو عبدالله عليه السلام: من لم يجعل له من نفسه واعظا فان مواظب الناس لن تغنى

عنه شيئا، بحار، ج 70، ص 70.

(2) عن ابى عبدالله عليه السلام قال: دع ابنك يلعن سبع سنين، وسائل، ج 15، ص 193.

(3) قال رسول الله صلى الله عليه و آله: رأس العقل بعد الايمان التودد الى الناس و اصطناع

الخير الى كل احد، بر او فاجر، بحار، ج 74، ص 392.

(4) قال امير المؤمنين عليه السلام: عليكم بالتواصط و التبادل و اياكم و التداير و التقاطع، بحار،

ج 74، ص 40.

(5) قال ابو عبدالله عليه السلام: تواصلوا و تباروا و تراحموا و كونوا اخوة بررة كما امركم الله.

بحار، ج 74، ص 399.

(6) قال رسول الله صلى الله عليه و آله: (فى حديث) و خير المؤمنين من كان مألّفه للمؤمنين و

لا خير فيمن لا يألّف و لا يؤلف، بحار، ج 74، ص 393.

(7) عن ابى عبدالله عليه السلام قال: يحق على المسلمين الاجتهاد فى التواصل و التعاون على

التعاطف و المواسات لاهل الحاجه، و تعاطف بعضهم على بعض، كما امركم الله عز و جل :

«رحماء بينهم» متراحمين مغتمين لما غاب عنكم من امرهم، على ما مضى عليه الانصار على

عهد رسول الله صلى الله عليه و آله، كافى، ج 2، ص 175.

(8) ان هذه امتكم امه واحده و انا ربكم فاعبدون، انبياء، آيه 92.

(9) كنتم خير امه اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنكر و تؤمنون بالله، آل

عمران، آيه 110.

(10) و كذلك جعلناكم امه وسطا لتكونوا شهداء على الناس و يكون الرسول عليكم شهيدا. بقره،

آيه 143.

(11) قال رسول الله صلى الله عليه و آله: مثل المؤمنين في توادهم و تراحمهم و تعاطفهم مثل الجسد، اذا اشتكى منه عضو تداعى له سائر الجسد بالسهر و الحمى، صحيح مسلم، ج 4، ص 1999.

(12) قال رسول الله صلى الله عليه و اله: من اصبح لا يهتم بامور المسلمين فليس منهم، و من سمع رجلا ينادى يا للمسلمين فلم يجبه فليس بمسلم، كافي، ج 2، ص 164

(13) انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بين اخويكم و اتقوا الله لعلكم ترحمون، حجرات، آيه 10.

(14) قال ابو عبدالله عليه السلام: المسلم اخو المسلم هو عينه و مرآته و دليله، لا يخونه و لا يخذعه و لا يظلمه و لا يكذبه و لا يغتابه، كافي، ج 2، ص 166.

(15) قال رسول الله صلى الله عليه و آله: الخلق عيال الله تعالى فاحب الخلق الى الله من نفع عيال الله، بحار، ج 74، ص 316.

(16) سئل رسول الله صلى الله عليه و اله: من احب الناس الى الله؟ قال: انفع الناس للناس . بحار، ج 74، ص 339.

(17) قال الصادق عليه السلام: ان لله عبادا من خلقه يفزع العباد اليهم في حوائجهم اولئك هم الامنون يوم القيامة، بحار، ج 74، ص 318.

والسلام./